

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



گروه علوم قرآن و حدیث
پژوهش نامه کارشناسی ارشد

بررسی تطبیقی مبانی مشترک فقه الحدیث و هرمنوتیک کلاسیک

استاد راهنما: حجت الاسلام دکتر محمدباقر سعیدی روشن

استاد مشاور: حجت الاسلام دکتر عبدالهادی مسعودی

دانشجو: احسان مقدم

تابستان ۱۳۹۱



قسم القرآن و الحدیث
أطروحة الماجستير

دراسة مقارنة فی المبانی المشتركة
لفقه الحدیث و الهرمنوطيقا التقليدية

الاستاذ المشرف: الدكتور محمد باقر سعيدی روشن

الاستاذ المساعد: الدكتور عبد الهادی مسعودی

الطالب: احسان مقدم

صيف ١٤٣٣

تقدیم به:

پدر و مادر عزیزم و همسر مهربانم

و به تمام آزاد مردانی که نیک می اندیشند و عقل و منطق را پیشه خود نموده و جز رضای الهی و پیشرفت و سعادت جامعه، هدفی ندارند.

عالمان، دانشمندان، بزرگان، و جوانمردانی که جان و مال خود را در حفظ و اعتلای اسلام و این مرز و بوم فدا نموده و می نمایند.

سپاس بی کران پروردگار یکتا را که هستی مان بخشید و به طریق علم و دانش رهنمونمان شد و به همنشینی رهروان علم و دانش مفتخرمان نمود و خوشه چینی از علم و معرفت را روزیمان ساخت.

اعتراف میکنم که نه زبان شکر تو را دارم و نه توان تشکر از بندگان تو، و اما بر حسب وظیفه؛

از زحمات اساتید گرانقدر حجت الاسلام دکتر محمدباقر سعیدی روشن به عنوان استاد راهنما و حجت الاسلام دکتر عبدالهادی مسعودی به عنوان استاد مشاور که در تدوین و تالیف این پژوهش نامه از محضرشان بهره مند گردیده ام، خاضعانه سپاسگزارم.

از همسر دلسوز و مهربانم که آرامش روحی و آسایش فکری فراهم نمود تا با حمایت های همه جانبه در محیطی مطلوب، مراتب تحصیلی و نیز پایان نامه درسی را به نحو احسن به اتمام برسانم؛ سپاسگزارم.

همچنین این مهم را وظیفه ی خود می دانم که از کلیه اساتید ارجمندم که در این دوران تحصیل از محضرشان بهره مند گردیدم و نیز حجت الاسلام دکتر زاهدی مدیر محترم گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده اصول الدین قم و همینطور کلیه کارکنان محترم این دانشکده تشکر کنم.

از دفتر ریاست پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و جناب آقای امیرعباس بقایی نیز به خاطر همکاری های بی دریغشان سپاسگذارم.

سعادت و توفیق روز افزون همه این عزیزان را از خداوند متعال خواستارم.

چکیده

«حدیث» وسیله اطلاع ما از سنت معصومان علیهم السلام است. سنت رفتار، گفتار و امضای معصوم (ع) و همتای قرآن و یکی از منابع شناخت دین خداست. برخی افراد، که در زمان حیات معصومان علیهم السلام زندگی می‌کردند به طور مستقیم به سنت دسترسی داشتند، اما دیگران به طور غیر مستقیم و با غور و جست‌وجو در احادیث، در صدد نیل به مراد معصومان علیهم السلام می‌باشند. بی‌شک، دستیابی به این مطلوب مهم، نیازمند بکارگیری روشهایی است که بر پایه مبانی استواری بنا شده اند. مجموعه این مبانی و روشها در جهت فهم حدیث دانش فقه الحدیث نام گرفته است. از سوی دیگر، دانش هرمونتیک کلاسیک با هدف تنقیح مبانی و روش‌های فهم متن به وجود آمد و زمینه ساز تحولات فکری گسترده ای شد. وجود دغدغه‌ها و رهیافت‌های مشابه، بهره‌گیری این دو حوزه از تجربیات مشترک یکدیگر را ضروری ساخته است. مطالعات تطبیقی یکی از بهترین راه کارها برای انجام چنین تعامل سازنده ای می‌باشد. در پژوهش حاضر تلاش می‌شود مبانی فقه الحدیث را بررسی کنیم. همچنین مبانی متناظر آن را در هرمونتیک کلاسیک که علی‌رغم پاره ای اختلافات، دارای شباهتها و اشتراکات بسیار با مبانی مذکور در فقه الحدیث است، مورد پژوهش و مقایسه قرار داده و شباهت‌ها و تفاوت‌های آن را در جهت امکان تاثیر متقابل بر یکدیگر بررسی می‌کنیم.

کلید واژه‌ها: حدیث، مبانی، فقه الحدیث، مطالعات تطبیقی، هرمونتیک، هرمونتیک کلاسیک.

فهرست مطالب

۱	فصل اول: مقدمات و کلیات.....
۲	۱-۱. مقدمات: تبیین موضوع و جوانب آن.....
۲	۱-۱-۱. تبیین موضوع پژوهش.....
۳	۱-۱-۲. پرسش‌های پژوهش.....
۳	۱-۲-۱-۱. سوال اصلی.....
۳	۱-۲-۱-۲. سوالات فرعی.....
۳	۱-۳-۱. مدعا و فرضیه پژوهش.....
۳	۱-۴-۱. ضرورت و اهمیت پژوهش.....
۴	۱-۵-۱. پیشینه پژوهش.....
۱۱	۱-۶-۱. روش کار در پژوهش.....
۱۲	۲-۱. کلیات.....
۱۲	۱-۲-۱. مطالعات تطبیقی.....
۱۲	۱-۱-۲-۱. تعریف مطالعات تطبیقی.....
۱۳	۲-۱-۲-۱. مراحل اساسی مطالعات تطبیقی.....
۱۴	۱-۲-۱-۳. انواع روش مطالعات تطبیقی.....
۱۶	۲-۲-۱. تعریف هرمنوتیک.....
۱۶	۱-۲-۲-۱. معنای لغوی.....
۱۸	۲-۲-۲-۱. معنای اصطلاحی.....
۲۲	۳-۲-۱. ادوار و انواع هرمنوتیک.....
۲۳	۱-۳-۲-۱. دور قدیم هرمنوتیک.....
۲۴	۲-۳-۲-۱. دور جدید هرمنوتیک.....
۲۹	۴-۲-۱. تعریف فقه الحدیث.....
۳۰	۵-۲-۱. حدیث و علوم وابسته.....
۳۲	۶-۲-۱. رابطه هرمنوتیک و علوم اسلامی.....
۳۳	۷-۲-۱. رابطه فقه الحدیث و هرمنوتیک.....
۳۵	فصل دوم: فقه الحدیث.....
۳۶	۱-۲. درآمد.....
۴۲	۲-۲. تعریف مبانی.....
۴۳	۱-۲-۲. مبانی در لغت.....
۴۴	۲-۲-۲. مبانی در اصطلاح.....
۴۵	۳-۲. مبانی فقه الحدیث.....

۴۵ ۱-۳-۲. امکان فهم و تفسیر روایات
۴۸ ۱-۱-۳-۲. حجیت سنت و اعتبار آن در فهم حدیث
۵۴ ۲-۱-۳-۲. حجیت کتاب (قرآن) در فهم حدیث
۵۵ ۳-۱-۳-۲. پیوستگی کتاب و سنت در فهم حدیث
۵۷ ۴-۱-۳-۲. حجیت عقل در فهم حدیث
۵۹ ۲-۳-۲. وجود معنای نهایی حدیث
۶۰ ۳-۳-۲. مؤلف محوری
۶۲ ۴-۳-۲. روش گرای
۶۲ ۵-۳-۲. عینیت گرای و تعیین معنا
۶۴ ۶-۳-۲. فرا زمانی بودن حدیث
۶۵ ۷-۳-۲. وحیانی بودن حدیث
۶۷ ۸-۳-۲. توجه به قواعد عام زبانی
۶۸ ۴-۲. نتیجه گیری
۶۹ فصل سوم: هرمنوتیک کلاسیک
۷۰ ۱-۳. درآمد
۷۲ ۲-۳. آراء هرمنوتیست های کلاسیک
۷۲ ۱-۲-۳. دان هاور
۷۴ ۲-۲-۳. کلادنیوس
۷۴ ۳-۲-۳. آست
۷۵ ۴-۲-۳. ولف
۷۶ ۵-۲-۳. شلایر ماخر
۷۷ ۱-۵-۲-۳. اندیشه های شلایر ماخر
۷۸ ۲-۵-۲-۳. اهمیت هرمنوتیک شلایر ماخر
۸۳ ۶-۲-۳. بوئک
۸۴ ۷-۲-۳. درویزن
۸۵ ۸-۲-۳. دیلتای
۸۹ ۳-۳. مراحل فهم در هرمنوتیک کلاسیک
۸۹ ۱-۳-۳. هرمنوتیک دستوری
۹۰ ۲-۳-۳. هرمنوتیک فنی
۹۲ ۳-۳-۳. دور هرمنوتیکی
۹۳ ۴-۳. مبانی هرمنوتیک کلاسیک
۹۴ ۱-۴-۳. امکان فهم و تفسیر پذیری
۹۵ ۲-۴-۳. مؤلف محوری

۹۷۳-۴-۳ وجود معنای نهایی
۹۸۴-۴-۳ معیارمندی و روش گرایی
۹۹۵-۴-۳ عینیت گرایی و تعین معنای متن
۱۰۱۶-۴-۳ امکان عبور از موانع تاریخی فهم
۱۰۲۷-۴-۳ توجه به قواعد عام زبانی
۱۰۲۸-۴-۳ گریز از تفکر ماوراءالطبیعی
۱۰۲۹-۴-۳ امکان تحقق فهم برتر از مؤلف
۱۰۶ فصل چهارم: تطبیق مبانی فقه الحدیث و هرمنوتیک کلاسیک
۱۰۷۱-۴ درآمد
۱۰۸۲-۴ بررسی رابطه هرمنوتیک و فقه الحدیث
۱۰۸۱-۲-۴ هدف هرمنوتیکی فقه الحدیث
۱۰۸۲-۲-۴ توجه فقه الحدیث به تمام سطوح معنایی
۱۰۸۳-۲-۴ مراحل اجتهاد در دریافت ظهور نهایی یا نیت گوینده
۱۰۹۴-۲-۴ بازشناسی اقسام جملات
۱۰۹۵-۲-۴ رابطه مراحل فهم در هرمنوتیک و فقه الحدیث
۱۱۲۶-۲-۴ رابطه دور هرمنوتیک و فقه الحدیث
۱۱۳۳-۴ مبانی مشترک فقه الحدیث و هرمنوتیک کلاسیک
۱۱۴۱-۳-۴ امکان فهم و تفسیرپذیری
۱۱۵۲-۳-۴ مؤلف محوری
۱۱۷۳-۳-۴ وجود معنای نهایی
۱۱۸۴-۳-۴ روش گرایی
۱۱۹۵-۳-۴ عینیت گرایی و تعین معنا
۱۲۱۶-۳-۴ امکان عبور از موانع تاریخی فهم
۱۲۳۷-۳-۴ توجه به قواعد عام زبانی
۱۲۳۴-۴ مبانی غیرمشترک فقه الحدیث و هرمنوتیک کلاسیک
۱۲۳۱-۴-۴ گریز از تفکر ماوراءالطبیعی
۱۲۴۲-۴-۴ امکان تحقق فهم برتر از مؤلف
۱۲۵ نتیجه گیری
۱۲۶ منابع

فصل اول: مقدمات و کلیات

۱-۱. مقدمات: تبیین موضوع و جوانب آن

۱-۱-۱. تبیین موضوع پژوهش

فهم احادیث و روایات اهل بیت علیهم السلام و پی بردن به رموز و اسرار نهفته در آن و رسیدن به مراد ایشان در بیان روایات مقصد نهایی فقه الحدیث است. درک مقصود و دست یافتن به هدف اصلی و مقصد نهایی گوینده نیازمند علوم و سیر و پیمودن قواعدی است که بر مبانی استواری بنا شده باشد. در نتیجه فهم احادیث مستلزم سیرو بکارگیری و روش‌ها و قواعدی است که بر مبانی فقه الحدیث و در جهت شناخت مراد اهل بیت (ع) در بیان روایات، استوار شده اند. از سوی دیگر، هرمنوتیک با هدف تنقیح مبانی و روش‌های فهم متن به وجود آمده و زمینه‌ساز تحولات فکری گسترده‌ای شده است. باتوجه به اینکه روایات اهل بیت علیهم السلام نیز در قالب متون دینی به ما رسیده است، وجود دغدغه‌ها و رهیافت‌های مشابه در فقه الحدیث و هرمنوتیک، بهره‌گیری این دو حوزه از تجربیات مشترک یکدیگر را ضروری ساخته است. هرمنوتیک شامل ادوار مختلفی می‌باشد و مقصود از هرمنوتیک کلاسیک دوره سوم از ادوار تاریخی آن است. دوره‌ای که شاخصه اصلی آن ظهور و شیوع نوع جدیدی از تعقل‌ورزی است که به واسطه نهضت اصلاح دینی از یک سو و انقلابات پیاپی علمی از سوی دیگر و احیای حیات عقلانی اروپا و بسط تفکر دکارتی به وجود آمد. از آنجا که پرداختن به همه ادوار هرمنوتیک آن ظرف این پژوهش نمی‌گنجد، لذا از این بین هرمنوتیک کلاسیک که نزدیکی بیشتری با مبانی فقه الحدیث دارد مورد توجه قرار خواهد گرفت. همچنین با توجه به ارتباط تنگاتنگ قواعد فهم با مبانی و در جهت روشن شدن شناخت دقیق مبانی و رابطه قواعد فهم با آن، اشاره به قواعد فهم گریز ناپذیر است، لذا در پژوهش حاضر به بررسی مبانی مشترک این دو دانش می‌پردازیم و به قواعد فهم متن در فقه الحدیث و هرمنوتیک کلاسیک اشاره می‌شده و تلاش می‌شود به این سوال اصلی پاسخ داده شود که در ذیل آورده شده است:

۱-۱-۲. پرسش‌های پژوهش

۱-۱-۲-۱. سوال اصلی

سوال اصلی این است که بین مبانی فقه الحدیث و اصول و مبانی هرمنوتیک کلاسیک چه اشتراکاتی وجود دارد؟

۱-۱-۲-۲. سوالات فرعی

مبانی هرمنوتیک کلاسیک برای دستیابی به فهم متن چیست؟
مبانی فقه الحدیث برای دستیابی به فهم حدیث کدامند؟
نسبت میان این مبانی در دو رویکرد نسبت به فهم متن و حدیث چیست؟

۱-۱-۳. مدعا و فرضیه پژوهش

با توجه به هدف هر دو دانش که شناخت درست و فهم صحیح متن می باشد و با توجه به اینکه روایات از نوع متون دینی می باشند فرضیه این پژوهش برای پاسخ به پرسش اصلی آن عبارت است از این که «فارغ از نقاط اختلاف، نقاط مشترکی بین مبانی فقه الحدیث و هرمنوتیک کلاسیک وجود دارد و امکان بهره مندی فقه الحدیث از قواعد فهم متن در هرمنوتیک کلاسیک را فراهم می آورد».

۱-۱-۴. ضرورت و اهمیت پژوهش

قرآن و حدیث که دو منبع اصلی دین اسلام می باشند از سنخ متن هستند و هر گونه تحول در سیر و روش های فهم متن که بر مبانی استوارند، می تواند برداشت ما از این منابع را دستخوش تغییر کند. از آنجا که فقه الحدیث، کوششی برای فهم متن روایات و در نتیجه پی بردن به مراد اصلی آن است و هرمنوتیک نیز علی رغم چرخش های فراوان در قلمرو و اهداف آن، همواره به مقوله فهم متن اهتمام داشته در نتیجه بین علم هرمنوتیک و فقه الحدیث به علت تکیه و تأکید بر متن و فهم آن، ارتباط و پیوند وجود دارد و این امر ضرورت پرداختن به زمینه های تعامل این دو دانش در مقوله فهم متن را روشن می شود و چون فهم متن و از جمله متون دینی مبتنی بر سیر و پیمودن قواعدی است که بر مبانی آن استوارند،

اهمیت پرداختن به مبانی این دو دانش و بررسی نقاط اشتراک و افتراق آن روشن می شود که در صورت وجود اشتراکات اساسی در مبانی این دو، در نهایت می توان از قواعد فهم متن دانش هرمنوتیک کلاسیک در جهت بهبود روش فهم حدیث کمک گرفت.

با توجه به مفاهیم فقه الحدیث، مبانی فقه الحدیث، هرمنوتیک و هرمنوتیک کلاسیک، که در بیان موضوع پژوهش به کار رفته است ضروری است که به تعریف اجمالی این مفاهیم بپردازیم:

۱-۱-۵. پیشینه پژوهش

آگاهی تاریخی بخش ضروری هر مطالعه است. این ضرورت در مطالعات تطبیقی چشمگیر تر و پر اهمیت تر است. در ذیل سابقه برخی تحقیقات به عمل آمده در این زمینه بطور اجمالی ذکر می شود.

کتابها

کتاب «درآمدی بر هرمنوتیک»، اثر دکتر احمد واعظی می باشد و مهم ترین مضامین، جریانها و رویکردها در هرمنوتیک از آغاز پیدایی آن تا دوره‌ی معاصر در آن مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس پس از بررسی سرچشمه‌های صورت مدون هرمنوتیک به منزله‌ی نظریه و کنش فهم و تفسیر در آرای شلایرماخر و دیلتای و آنچه هرمنوتیک رمانتیک خوانده می شود، رویکردهای هرمنوتیکی در دوره‌ی معاصر بحث می شود و در این میان به ویژه رویکرد هستی‌شناختی در آرای هرمنوتیکی هایدگر، گادامر و ریکور بررسی می شود.

کتاب «روش فهم حدیث» نوشته دکتر عبدالهادی مسعودی می باشد. این کتاب به طور مفصل، به معرفی اصول وقواعد و روش فهم حدیث و سیر منطقی فهم آن یک به یک و در فصولی جداگانه اهتمام می ورزد و در نهایت به موانع فهم حدیث هم اشاره دارد و از منابع مهم فقه الحدیث در پژوهش حاضر به شمار می آید.

«زندگی در دنیای متن» نام کتابی است از پل ریکور فیلسوف فرانسوی که سالهای ۱۹۱۲ تا ۲۰۰۵ زیسته و نماینده‌ی برجسته پدیدار شناسی و هنر هرمنوتیک مدرن در پایان سده بیستم بود. کتاب مذکور که ترجمه اش را بابک احمدی انجام داده، برگزیده ای است از گفتگوهای ریکور که موضوع

مرکزی آنها «جهان متن» است. ریکور در این مکالمه ها از نقادی هنری تا اسطوره، از تاریخ تا هنر روایت و از روزگار نو سخن می گوید.

کتاب «معنای متن» ترجمه فارسی از کتاب مفهوم النص به زبان عربی است و می توان آن را مهم ترین کتاب دکتر نصر حامد ابوزید، متفکر مسلمان مصری است. این کتاب در واقع محصول تدریس مؤلف در موضوع علوم قرآنی برای دانشجویان دانشگاه قاهره است که در مدت کوتاهی پس از انتشار، توجه و اعتنای بسیاری از قرآن پژوهان و منتقدان مسلمان و حتی پاره ای از مستشرقان را به خود جلب کرد.

ابوزید در کتاب خود کوشیده است مباحث رایج علوم قرآنی را از منظری تازه و با نگرش و ذهنیت امروزی ببیند. مراد از نگرش و ذهنیت امروزی تمام ابزارها و روشها و علوم شناخته شده ی بشری است که امروزه در اختیار داریم. بنابراین، کتاب حاضر از یک سو کتابی سنتی است، یعنی هم به موضوعی کهن در میراث اسلامی می پردازد و هم مواد و مصالح اصلی آن عمدتاً متون و نظریات تدوین یافته در سنت گذشته ی ماست. از سوی دیگر اما، این کتاب را می توان اثری نو اندیشانه و جدید به شمار آورد، بدین معنا که می کوشد با به کارگیری نظریه های متن شناختی و روش های متن پژوهی و زبان پژوهی، قرائتی تازه از علوم قرآن به دست دهد که البته از نظر برخی اندیشمندان آن را در حد یک متن مبهم، مشکوک و حتی مقصر به زیر می کشد، از توان تمدن ساز آن می کاهد، کاربرد آن را تا اندازه نوشته ای برای بررسی های زبان شناسی ساده می کند. مهم ترین نظریه ی طرح شده در کتاب حاضر، پیوند متن و واقعیت است که ابوزید آن را بر هر متن ممتازی مانند شاهکارهای ادبی، از جمله قرآن، صادق می داند.

دکتر نصر حامد ابوزید (متولد ۱۹۴۳)، استاد پیشین ادبیات عرب و علوم قرآنی در دانشگاه قاهره و از معروف ترین نواندیشان دینی مصر، با این کتاب خود نقطه ی عطفی در پژوهش های قرآنی ایجاد کرد.

کتاب «هرمنوتیک مدرن»، اثر بابک احمدی، در این کتاب دوازده متن مهم نوشته ده متفکر برجسته که در زمینه های متنوع علوم انسانی و فلسفه فعالیت داشته اند آمده است. موضوع تمامی نوشته های این کتاب هرمنوتیک مدرن و گستره و حدود تاویل سخن، متن، کنش و رویداد است. کتاب هم راهنما و یاری دهنده ای است برای شناخت مسائل فکری هرمنوتیک مدرن (و فرا رفتن آن از قلمرو شناخت

شناسی و گام نهادنش به گستره هستی‌شناسی) و هم به طور خاص دو مسئله را برجسته می‌کند: یکی ادعاهای هرمنوتیک در زمینه فلسفه زبان، و دیگری اهمیت بحث مارتین هیدگر در زمینه این همانی تاویل و فهم و نیز اعتبار پیش فهم‌های ما در تاویل‌های ما و در واقع تعیین جایگاه مان در جهان و زمان.

از میان کتابهایی که در زمینه مبانی است می‌توان به کتاب «تحلیل زبان قرآن و روش‌شناسی فهم آن»، اثر دکتر محمد باقر سعیدی روشن اشاره نمود. التفات به تمایز و تفارق مبانی و مبادی جهان‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی، متن‌شناختی و زبان‌شناختی و بسترها و زمینه‌های اندیشه دینی غرب که منشأ پیدایش رویکردهای جدید زبان دینی و فهم متون آن است، با مبانی، زیرساختها و باورهای فکری مربوط به زبان قرآن و ساز و کار فهم آن نیز، عطف توجه کتاب تحلیل زبان قرآن و روش‌شناسی فهم آن است؛ همچنان که می‌تواند ورود به عرصه مصادیق آیات و جستجوی رهیافت زبان قرآن در متن آیات و پرهیز از کلی‌گویی، بدون نظرداشت نمودهای گونه‌گون متن را از ویژگی‌های مورد نظر این کتاب دانست. مطالعات برگستره فصل سوم نگاهی است بر مهم‌ترین عناصر فکری سه قرن اخیر عرب، به ویژه معرفت‌شناسی تجربی، فلسفه تحلیلی و هرمنوتیک فلسفی، و چالش‌هایی که این عناصر در فراروی معرفت دینی و زبان دین قرار می‌دهد. فصل چهارم گزارشی است از چهار طیف از رهیافتهای زبان دینی معاصر غرب که در عین حال بر معضله‌های بنایی یا مبنایی هر یک نیز فی‌الجمله اشارتی گویا رفته است. در فصل پنجم کوشش شده است تا ریشه‌ها، زمینه‌ها و علل بروز نظریات زبان دینی جدید غرب واکاوی شود، و این موضوع از جهات گوناگون مورد بررسی واقع گردد که آیا همان ریشه‌ها و زمینه‌های دینی-فکری بر مسلمانان نیز حاکم است و ناگزیر همان گزینه‌ها نیز در پیش روی آنان قرار دارد، یا آنکه چنین نیست؟ آخرین فصل این نوشتار را معناشناسی و هرمنوتیک فهم قرآن تشکیل می‌دهد. در این فصل با استناد به اصول و باورهای پایه، تعیین معنایی و هدف متن قرآنی، امکان فهم عینی از محتوای آن مورد تأکید واقع شده، روش‌ها و معیارهای دستیابی به معانی و مقاصد گوینده وحی را در پرتو فلسفه نزول قرآن و نظام ارزیابی منطقی بررسی می‌کند که می‌تواند در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار بگیرد.

کتاب «منطق و مباحث علم هرمنوتیک» نوشته دکتر محمد رضا ریخته گران و موضوع رساله دکتری مولف نیز بوده است و می توان آن را جزء نخستین تالیفات فارسی در باب هرمنوتیک به شمار آورد. در فصل اول این کتاب، به سابقه هرمنوتیک و مباحث تفسیری در اعصار گذشته اشاره شده و پیوند عمیق آن با رویکردهای فلسفی یونان باستان مورد بررسی قرار گرفته است. ایشان در فصل دوم به تشریح زمینه های نوپدایی هرمنوتیک در دوران جدید و اصول و مبانی مباحث تفسیری تنی چند از هرمنوتیوتهای این دوران می پردازد. در فصل سوم که به هرمنوتیک معاصر اختصاص یافته، آراء هایدگر و گادامر و عناصر تشکیل دهنده اندیشه هایشان و تفاوت هرمنوتیک مورد نظر آنها با رویکردهای هرمنوتیکی ماقبلشان مطرح می شود. در فصل چهارم که با دغدغه تطبیق مباحث هرمنوتیک و اصول تفسیری مسلمین نوشته شده است، مولف با اذعان به سابقه اندک مباحث هرمنوتیک نوین در نزد مسلمین در خلال علوم اسلامی و عدم معادل یابی دقیق میان این دو حوزه، سعی دارد نوعی انطباق میان این دو حیطه علمی صورت دهد و به این وسیله زمینه های گفتگو میان آنها را فراهم نماید.

مقالات

مقاله «مبانی فقه الحدیث» اثر داوود سلیمانی است که در آن به تعریف مبانی در لغت و اصطلاح می پردازد، سپس به بیان مبانی فقه الحدیث پرداخته و انواع آن را ذکر کرده و توضیح می دهد. از جمله در این مقاله آمده است:

«مبانی» به معنای اصول و اساس هر چیزی است. در علوم نیز به اصول، بنیان ها و اجزای اصلی تشکیل دهنده هر علم گویند، که آن علم بدون آن ناقص خواهد بود. این مبانی از آن جهت که در هر علم متعددند، عموماً درباره علوم به صورت جمع آن کاربرد دارد، مثل مبانی تفسیر یا مبانی علم الحدیث و ...؛ فقه الحدیث نیز دارای اصول و مبانی متعددی است که فهم حدیث بدون آن شکل نمی گیرد. این مبانی، همان پیش دانسته ها- و نه پیش فرض ها- می است که غالباً ریشه در سایر علوم دارد.

مقاله «بررسی تطبیقی مبانی مشترک تفسیر قرآن و هرمنوتیک کلاسیک» اثر دکتر علی رضا آزاد و دکتر جهانگیر مسعودی از جهت موضوع و مسائل مطروحه، یکی از مهمترین و نزدیکترین مقالات در زمینه پژوهش حاضر به شمار می آید.

در این مقاله پس از مفهوم شناسی تفسیر، به اصول و مبانی تفسیر اشاره شده و در آن آمده که اختلاف تفاسیر، ریشه در اختلاف روش‌های تفسیری دارد و اختلاف این روش‌ها و توفیق و عدم توفیق آن‌ها نیز منوط به اتخاذ مبانی است که این روش‌ها بر پایه آنها بنا شده‌اند، لذا نزاع و اختلاف مفسران را باید بیش و پیش از هر چیز در مبانی مورد قبول آنان (مقدمات و مقومات فهم) جستجو کرد و بررسی و داوری اصلی را به آنجا منتقل نمود.

به این ترتیب اصول و قواعد تفسیر، شأنی همانند منطق و اصول فقه خواهد داشت و همان طور که رعایت قواعد علم منطق باعث مصونیت ذهن از خطای فکری می‌شود و اصول فقه، فقیه را در انجام استنباطات فکری یاری می‌کند، رعایت اصول و قواعد تفسیر نیز به مفسر در تفسیر آیات الهی کمک نموده و از بروز خطا در نیل به مراد الهی می‌کاهد.

اصول تفسیر مباحث مربوط به روش و مراحل و منابع و قواعد و علوم مورد نیاز تفسیر و شرایط مفسر را در بر می‌گیرد. برخی از این اصول عبارتند از: ۱. توجه به معنای واژگان در عصر نزول و تفاوت معنایی آن در گذر زمان. ۲. در نظر گرفتن قواعد صرفی و نحوی و بلاغی در معنایابی کلمات و عبارات. ۳. توجه به قرائن پیوسته لفظی نظیر: سیاق کلمات، سیاق جملات، سیاق آیات، سیاق سوره و قرائن پیوسته غیر لفظی نظیر: سبب نزول، شأن نزول، فرهنگ عصر نزول، زمان و مکان نزول، ویژگی‌های گوینده، مخاطب و موضوع سخن و قرائن ناپیوسته نظیر: دیگر آیات قرآن، روایات، اصول عقلایی و ... ۴. توجه به اصول لفظی نظیر: اصالت حقیقت، اصالت عموم، اصالت اطلاق، اصالت عدم نقل و عدم اشتراک، اصالت ظهور و ... ۵. در نظر داشتن انواع دلالت‌های کلام نظیر: دلالت مطابقی، دلالت تضمینی، دلالت التزامی و ... ۶. توجه به منابع روایی و لغوی و تاریخی و دستاوردهای عقلی و تجربی. ۷. توجه به ویژگی‌های ایمانی و الهامات درونی و رهیافت‌های معنوی. ۸. در نظر داشتن جامعیت و قابلیت‌های

علمی مفسر و توانمندی او در استخراج معارف قرآنی. ۹. توجه به روح کلی آیات و اهداف از ارسال رسل و انزال کتب.

سپس به تعریف هرمنوتیک پرداخته شده و ادوار تاریخی آن بررسی شده است و در نهایت نیز مبانی مشترک قرآن و هرمنوتیک کلاسیک ذکر شده و بر هم تطبیق داده شده است.

«هرمنوتیک و تأثیر آن بر فهم متون دینی» اثر علی پرمی است. در این مقاله ابتدا با تعریفی اجمالی از هرمنوتیک، به تأثیر آن بر فهم متون دینی اشاره شده، با تبیین نظریه مؤلف مداری، مفسرمداری و متن مداری، هدف از تفسیر متون دینی، درک قصد و مراد جدی صاحب سخن دانسته شد؛ یعنی تفسیر متن دینی، مؤلف مدار است. از طرفی، تفسیر متن دینی، متن محور نیز هست؛ یعنی از مجرای متن به دنبال درک مراد مؤلف می گردد؛ بدین معنا که مراجعه به متن و ساختار زبانی، پلی است برای رسیدن به قصد و نیت مؤلف. تفسیر متن دینی نه آن چنان «متن محور» است که مؤلف را نادیده بگیرد و نه آن چنان مؤلف محور است که به جای آغاز از متن، با روان شناسی گروی، مستقیماً به دنبال جغرافیای فکری و فرهنگی و اجتماعی مؤلف باشد. این مقاله نظریه مفسرمداری که ذهنیت و پیش داوری های مفسر (تفسیر به رأی) را در فهم متون دخالت می دهد، صحیح ندانسته و برای متن، معنایی نهایی قایل است و اختلافات علما در دین به نحو موجه جزئی را می پذیرد، نه به نحو موجه کلیه.

مقاله «از متن تا معنا» نوشته دکتر محمد باقر سعیدی روشن بر آن است که شناخت هسته‌های اولیه معنا از واژگان جستجو می‌شود که مؤلف متن آنها را گزینش نموده و پیام خود را در ترکیب ساختاری عبارات ویژه جای داده است و ملاحظه ویژگی‌های ادبی، دلالتی و سیاق ترکیبی جمله، مرحله‌ای دیگر است. نگاه پیوستاری به متن قرآن و نیز سنت معصوم علیه‌السلام، همچنین نظر داشت زمینه پیدایش متن و دانش‌های عصری گام بعدی است.

همچنین در این مقاله آمده است که اینها همه فراهم‌کننده شرایط بیرونی معنا در ذهن خواننده متن و بازنمود اراده مؤلف، اقتضائات متن و زمینه معنایی و مانند اینهاست. اما این اندیشه و تدبیر خواننده و قدرت اجتهاد و تفقه دینی اوست که به نوبه خود در چگونگی کشف معنا اثرگذار است و به عنوان آخرین گام در معناشناسی محسوب می‌گردد.

«هرمنوتیک و تفسیر قرآن» نوشته حجت الاسلام مهدی هادوی تهرانی است و این مقاله در دو بخش «تاریخچه هرمنوتیک و دیدگاه‌های مختلف پیرامون آن» و «رابطه هرمنوتیک با تفسیر و تأویل قرآن» سامان یافته است.

مقاله «هرمنوتیک و نسبت آن با اندیشه اسلامی» اثر دکتر محمد باقر سعیدی روشن است که در این مقاله مؤلف ابتدا مبانی و زیرساختارهای فکری خاص در فهم قرآن را مطرح می‌کند، زیرا مبانی یا باورهای پایه و زیرساخت‌های اعتقادی تأثیر به‌سزایی در شیوه فهم، اصول و قواعد و معیارها و منطق فهم یک متن دارد. از آن جا که این مبانی در مورد قرآن منحصر به فرد است، هرمنوتیک و تفسیر آن نیز منحصر به فرد خواهد بود. از جمله آن که تفسیر و قرائت‌های مختلف در باب ضروریات دین جایز نیست و امکان فهم قرآن که کتاب هدایت است، برای بشر میسر می‌باشد، زیرا اگر این متن قابل فهم نباشد مستلزم نقض حکمت الهی است و نیز نزول آن لغو خواهد بود.

مؤلف در ادامه به مکانیسم فهم متن اشاره می‌کند و انواع قراین را در آن دخیل می‌داند که می‌توان به قراین درون متنی و برون متنی اشاره کرد. سرانجام به این نتیجه می‌رسد که روش فهم قرآن با روش فهم متون بشری متفاوت است و امکان قرائت‌های مختلف از قرآن همانند متون دیگر صحیح نیست.

پایان نامه ها

«آسیب شناسی فهم متون دینی» مقطع: فوق لیسانس، استاد مشاور: دکتر محمد باقر سعیدی روشن،

دانشگاه آزاد تهران

«اصول و مبانی تفسیر از نظر شلایر وملا صدرا» مقطع: فوق لیسانس، استاد راهنما دکتر محمد باقر

سعیدی روشن، دانشگاه مفید

«بررسی تطبیقی مبانی روش‌های تفسیر قرآن و انگاره‌های هرمنوتیست‌های کلاسیک»، مهندس

آزاد، علی‌رضا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، استاد راهنما: محمدعلی رضایی کرمانی

استاد مشاور: آقای دکتر جهانگیر مسعودی، ۱۳۸۷

«بررسی تطبیقی هرمنوتیکی با مباحث الفاظ در اصول فقه شیعه»، شکری، مهدی، موضوع: الهیات و معارف اسلامی، استاد راهنما: رسولی پور، دانشگاه: تربیت معلم تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۸۳

«بررسی رابطه هرمنوتیک و تفسیر و تأویل قرآن»، آقای ابرندآبادی، علی، موضوع: علوم انسانی، استاد راهنما: محمدرضا حسینی بهشتی دانشگاه: قم، دانشکده اصول الدین، گروه علوم قرآن و حدیث، ۱۳۸۱

«معناشناسی تأویل در قرآن و هرمنوتیک شلایرماخر»، نهادی گلمکانی، مریم، موضوع: علوم انسانی، استاد راهنما: فتحیه فتاحی زاده دانشگاه: الزهراء (س)، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، ۱۳۸۵

«هرمنوتیک در اندیشه هایدگروگادامر»، سمندری پتکانی، علی، موضوع: علوم انسانی، فلسفه غرب، استاد راهنما: علی نقی باقرشاهی، دانشگاه بین المللی امام خمینی - دانشکده علوم انسانی، ۱۳۸۵

۱-۱-۶. روش کار در پژوهش

در این پژوهش تلاش خواهد شد تا با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به بررسی فرضیه آن براساس رویکرد مطالعات تطبیقی پرداخته شود. بر این اساس مبانی فقه الحدیث بیان شده و در جهت روشن شدن دقیق آن به قواعد فهم حدیث نیز اشاره می شود. همین طور مبانی هرمنوتیک کلاسیک و سیرفهم متن در آن مورد بررسی قرار می گیرد. با شناخت دقیق مبانی هر یک از دو دانش مذکور ارتباط میان آنها و نقاط اشتراک و متمایز عنوان شده و مورد بررسی قرار گرفته و بر یکدیگر تطبیق داده می شود. بنابراین، پژوهش حاضر از سنخ پژوهش نظری به شمار می رود. شیوه جمع آوری داده ها نیز در این پژوهش مبتنی بر تحلیل محتوای کتابخانه ای است.